

در شماره قبل جهان امروز بخشی از اسناد کنگره دهم کومه له را ملاحظه کردید.  
در این شماره هم بخش دیگری از این اسناد را منتشر می کنیم.

■ **بیانیه سیاسی کنگره دهم کومه له در باره  
وضعیت مبارزه سیاسی و طبقاتی در ایران و کردستان**

■ **بیانیه کنگره دهم کومه له  
درباره جایگاه کومه له در حزب کمونیست ایران**

■ **قطعنامه کنگره دهم درباره استراتژی، سیاست و  
تاکتیکهای ما در قبال مسئله ملی در کردستان ایران**

■ **قطعنامه کنگره دهم کومه له درباره تبلیغات و سازماندهی  
مبارزه توده‌ای علیه گسترش مواد مخدر در کردستان**



## استواری بر رسالتی پیشرو!

صفحه ۱۰

## گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری

صفحه ۶

## جنین و گزارش UN: توجیه جنایات اسرائیل

صفحه ۱۲

## پیام کنگره دهم کومه له به خانواده های جانبختگان

خانواده‌های عزیز جانبختگان کومه له

کنگره دهم کومه له با یاد و خاطره عزیزیانی آغاز بکار کرد که فرزندان شما و رفقای ما و رزمندگان خستگی ناپذیر راه آزادی و رهایی انسان استثمارشده و ستمدیده بودند. آنها ستارگانی بودند که درخشیدند و راه رهایی ما را روشنی بخشیدند. امروز ما با افتخار این راه را بسوی اهداف و آرزوهای این عزیزان می‌پیماییم. مقاومت شما در برابر اندوه سنگین از دست دادن این عزیزان، باغ سرسبز این مبارزه را آبیاری کرده است. روحیه بالا و اراده محکم شما، برای ما در مبارزه عادلانه ای که امر مشترک همگی ماست، همواره مشوق و امیدبخش بوده است. شرکت کنندگان در کنگره دهم کومه له دستهایتان را به گرمی می فشارند و افتخار می کنند به اینکه پرچم همان مبارزه ای را در دست دارند که فرزندان شما با سرفرازی در راه تحقق اهداف آن جان باختند.

عزیزان!

کنگره ما در شرایطی برگزار شد که مبارزه‌ای بی وقفه به وسعت همه ایران در جریان است و رژیم جمهوری اسلامی را از هرسو تحت فشار قرار داده است. اعتصابات و تظاهرات کارگران در محل کار و در خیابانها، مبارزه زنان جسوری که نمی‌خواهند بیش از این تحقیر شوند و حرمت انسانی‌شان پایمال گردد، مقاومت جوانانی که حکومت اسلامی زندگی امروز آنان را در قید و بند قوانین و سنت های ارتجاعی به بند کشیده و افق و امید آینده شان را تیره و تار کرده است، مبارزه مردم کردستان که با مقاومت و مبارزه بی‌وقفه خود، هرگز در برابر دشمن سرکوبگر سر تسلیم فرود نیاوردند؛ اینها همگی جبهه های مختلف نبرد بی امانی هستند که امید به رهایی را در دل استثمارشدگان و محرومان جامعه زنده نگاه داشته است و بدون شک بدون فداکاری و جانبازی فرزندان عزیز شما، نمی‌توانستیم قدم در چنین مرحله‌ای بگذاریم.

ما ضمن ابراز نهایت عشق و احترام خود برای شما عزیزان، یکبار دیگر با رفقای جانبخته و مردم محروم و زحمتکش کردستان پیمان می بندیم که پرچم سرخ کومه له را تا روز پیروزی نهایی و دست یابی به دنیای انسانی آزاده و مرفه و برابر، همچنان برافراشته نگاه بداریم.

شرکت کنندگان در کنگره دهم کومه له

مرداد ماه ۱۳۸۱ هجری شمسی



## پیام

## کنگره دهم کومه له به زندانیان سیاسی و خانواده هایشان!

هم اکنون شمار کثیری از انسانها به دلیل باورها و یا فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی‌شان در زندانهای مخوف رژیم جمهوری اسلامی زیر شدیدترین شکنجه های جسمی و روحی قرار دارند.

آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، حق اولیه هر انسانی است و ما تجاوز هر روزه رژیم اسلامی را به این حق طبیعی انسانها بشدت محکوم می کنیم. ما با زندانیان سیاسی و خانواده‌هایشان، عمیقاً احساس همبستگی می نماییم و امیدواریم با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و با برپایی حکومت کارگری هرگونه شکنجه و اعدام لغو گردد و هیچکس بخاطر عقاید سیاسی تحت پیگرد قرار نگیرد.

مردادماه ۱۳۸۱



## بیانیه کنگره دهم کومه‌له در باره جایگاه کومه‌له در حزب کمونیست ایران

حزب کمونیست افق‌های جدیدی بر روی کومه‌له در کردستان هم گشود. رزمندگی و شور و شوق انقلابی را در صفوف این تشکیلات بالاتر برد و اجازه نداد که عقب نشینی‌های نظامی جنبش کردستان افق سیاسی مبارزین آن را تیره و تار کند. به کومه‌له در از سر گذراندن یک دوره سخت و خطیر یاری رساند. با همه اینها واضح است که ما یک حزب مطلوب کارگری را تشکیل نداده بودیم بلکه تشکیل حزب پاسخ ممکن به یک نیاز مبارزه سیاسی بود که تأخیر بیش از این در جوابگویی به آن، جریان ما و شاید کل کمونیسم ایران را زیر فشارهای دشمن در موقعیت بسیار نامساعدتری قرار می‌داد و بازسازی سیاسی و تشکیلاتی آن را دشوارتر می‌ساخت. ما به درست، شرایط ایجاد و تامین خصوصیات یک حزب ایده‌آل را به عنوان پیش‌شرط‌های تشکیل حزب به مانعی برای متشکل شدن بخشی از کمونیست های ایران تبدیل نکردیم و گفتیم بوسیله حزب و بطور متشکل بهتر می‌توانیم به سراغ رفع کمبودها و از جمله ضعیف بودن پایه کارگری آن برویم.

پس از تشکیل حزب نیز تشدید حملات ارتجاع و ضربات پی‌درپی پلیسی در سراسر ایران و عقب نشینی‌های پی‌درپی جنبش کردستان به مانع بزرگی بر سر راه پیشرفت نقشه‌های تشکیلاتی ما در سراسر ایران و در کردستان نیز تبدیل شدند. شرایط برای کار سراسری حزب روزه روز دشوارتر می‌شد. با وجود این بحث برسر چگونگی عبور از این موقعیت و پیوند خوردن با جنبش‌های اجتماعی و کارگری در ایران بحثی به‌فدتم همه حیات حزب است. از همان فردای تشکیل حزب این مسئله به عمده‌ترین مشغله رهبری آن موقع حزب تبدیل شد و تلاش‌های صمیمانه‌ای هم در این زمینه آغاز شد. اما بحث کارگری کردن حزب در غیاب یک تحلیل واقع‌بینانه سیاسی از اینکه در یک شرایط خفقان و حاکمیت سبعانه پلیسی که امکان فعالیت علنی وجود ندارد، چگونه می‌توان یک حزب با پایه کارگری وسیع ساخت؟ به‌جای راه‌گشایی به خوراک بحث‌های کشف بدون معنای عملی خاصی تبدیل شدند. هیچگاه این سؤال به طور جدی مطرح نشد و یا اگر مطرح شد بدان پاسخ درست داده نشد که آیا ممکن است یک حزب هر چند جهت‌گیری‌های درست داشته باشد در شرایط خفقان سیاسی و در غیاب یک جنبش کارگری پر قدرت بتواند به یک حزب توده‌ای کارگری تبدیل شود. حزب کمونیست ایران هیچگاه در شرایطی مشابه آنچه که در سال‌های ۵۷ تا ۶۰ برای کومه‌له بوجود آمد قرار نگرفت تا همه ظرفیت و توانایی‌های خود را عیان سازد و همین حقیقت ساده بود که اراده‌گرایانه نادیده گرفته می‌شد.

۲- اما این حزب در دو مقطع از حیات خود با کشمکش‌های حاد درونی روبرو شده است که هر دو به انشعاب از آن منجر شده‌اند. انشعاب سال ۱۹۹۰ با این توجیه صورت گرفت که حزب در تحقق هدف اولیه خود که تبدیل شدن به حزب رهبران کارگری و ابزار مبارزه طبقه کارگر بود ناموفق بوده است و چنین ادعا می‌شد که به دلیل گرایش‌های مختلفی که در این حزب وجود دارد انشعاب کنندگان امیدشان را به اینکه در چهارچوب این حزب به این هدف نائل شوند، از دست داده‌اند. بحث‌های موافق و مخالف زیادی در زمینه‌های مختلف صورت می‌گرفت اما واقعیت این است که بیشتر آنها با همه اهمیت‌شان ربطی به علل و انگیزه‌های واقعی انشعاب نداشتند. نه فروپاشی اتحاد شوروی، و نه اختلاف نظر بر سر ارزیابی از قیام مردم در کردستان عراق، نه ارزیابی‌های متفاوت از عوارض تاکتیکی ناشی از پایان جنگ ایران و عراق، که مضمون بحث‌های درونی و بیرونی آنهاست. ما بودند، هیچکدام از اینها بخودی خود و به تنهایی توجیه‌گر آن انشعاب نیستند، علت واقعی ←

۱- تشکیل حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۶۲ یکی از رویدادهای مهم در حیات سیاسی جنبش چپ و کمونیستی ایران محسوب می‌شود و اگرچه این رویداد پاسخی شایسته به یک ضرورت سیاسی و مبارزاتی بود. با وجود این نبایستی از پروسه تشکیل این حزب یک نظریه قابل تعمیم در مورد تشکیل احزاب کمونیست، استنتاج کرد و ایجاد آن را باید در چهارچوب شرایط سیاسی یک دوره معین مورد قضاوت قرار داد و موقعیت امروز آن نیز ادای سهم در مبارزه برای غلبه بر پراکندگی کمونیستها و پایان دادن به جدائی کمونیسم از جنبش طبقاتی کارگران دانست.

این حزب در شرایطی تشکیل شد که انقلاب ایران در زیر ضربات حکومت ضدانقلاب اسلامی آخرین نفس‌های خود را می‌کشید. انقلاب ایران داشت از توش و توان می‌افتاد ولی در آن مقطع نه برای ما و نه برای هیچ نیروی اپوزیسیون چنین واقعیتی ملموس نبود. کسی نمی‌خواست این کابوس را باور کند که انقلابی با آن وسعت و عظمت این چنین بوسیله یک جریان ارتجاعی مهار و سرکوب شود. نیروهای چپ و رادیکال ایران بشدت دچار تشمت فکری و سرگردانی شده بودند. سرنوشت انقلاب ایران ضربه سختی بر خلق‌گرایی که محور تفکر و عمل این چپ بود، وارد ساخته بود. هویت «ضد امپریالیستی» و «ضد وابستگی» بسیاری از نیروهای چپ با هیاهوی ضدآمریکایی یک جمهوری اسلامی «غیروابسته» به زیر سؤال رفته بودند. دستگاه فکری‌ای که این چپ را در جستجوی نیروهای «ملی و مترقی» مدام به سمت لایه بندی بورژوازی سوق می‌داد در تحلیل و تبیین آنچه که در مقابل دیدگان نابورش اتفاق می‌افتاد بیش از پیش سرگردان کرده بود. دستگیری‌های گسترده، اعدام‌های وسیع، شکنجه‌های وحشیانه، بخشی از سازمان‌های چپ را عملاً منحل و صفوف کل چپ را به هم ریخته و دچار دستپاچگی ناشی از سرکوب کرده بود. در چنین شرایطی تشکیل حزب بوسیله بخشی از نیروهای رادیکال چپ ایران پاسخی انقلابی به این وضعیت نابسامان بود.

اگرچه این حزب در بدو تشکیل فاقد پایه اجتماعی نیرومندی در سطح سراسری بود اما برخلاف آنچه که ادعا می‌شود در تهران و شهرهای بزرگ ایران و در محیط‌های کارگری تا حد معینی تشکیلات و فعالین سیاسی کارگری را با خود داشت و شمار نسبتاً زیادی از فعالین سیاسی و کمونیست طیف موسوم به خط ۳ ایران را دربر می‌گرفت و در کردستان نیز به یک جنبش توده‌ای گسترده‌ای متکی بود، دیدگاه‌های سیاسی و برنامه روشنی داشت. زمینه‌های اجتماعی و سیاسی کار خود را می‌شناخت و بر محدودیت‌ها و نقطه‌قوت‌های آن آگاه بود. چشم بر نقاط ضعف و کمبودهای خود نبسته بود بلکه مورد انتقادشان قرار می‌داد و می‌کوشید نبردکنان آنها را برطرف کند.

### جهان امروز

#### سیاسی، خبری

سردبیر:

هلمت احمدیان

ha@cpiran.org

۱۵ روز یکبار منتشر می‌شود.

حساب بانکی جهان امروز

S-E Banken

F-S

53682990054

— «جهان امروز» تنها مطالبی را چاپ می‌کند که صرفاً برای این نشریه ارسال شده باشد.

— استفاده از مطالب جهان امروز، با ذکر ماخذ آزاد است.

— مسئولیت مطالب «جهان امروز» با نویسندگان آن است و تنها مطالبی که با نام «جهان امروز» امضا شده باشند، موضع رسمی نشریه است.

— مطالب «جهان امروز» با برنامه واژه نگار تایپ می‌شود و حداکثر سقف مطالب ارسالی دو صفحه آ۴ با سایز ۱۶ می‌باشد.

را بایستی در جای دیگری جستجو کرد.



جدایی‌های سال ۱۹۹۰ اساساً عکس‌العملی بود آگاهانه یا ناآگاهانه که نسبت به تیره شدن افق جنبش توده‌ای در کردستان و آخرین پرده‌های عقب‌نشینی جنبش مسلحانه، نشان داده شد. در آن دوره تشکیلات مسلح ما در کردستان عراق با مشکلات عملی و تاکتیکی خاصی روبرو بود که به راهیابی و چاره‌جویی کنکرت و همبستگی بیشتر و هدایت رهبری حزب نیاز داشت و اکثریت قاطع مبارزین صفوف ما در آن مقطع با آغوش باز از چنین راه‌حلهایی پشتیبانی می‌کردند. این شرایط تشکیلات ما را با مشکلات عظیمی روبرو کرده بود و شرایط جهانی در مقطع وقوع انشعاب البته خطیر بود، اما در زیر سایه تحلیل آن شرایط نمی‌توان واقعیات مادی کنکرتی که آدم‌های معین در زمان و مکان معین با آن درگیر بوده‌اند را پرده‌پوشی کرد. در آن هنگام که آنان تصمیم به جدائی گرفتند نه‌تنها تحت تاثیر موج جهانی آنتی‌کمونیسم ناشی از سقوط اتحاد شوروی پشت‌کردن به آرمان‌های کمونیستی در صفوف ما باب نشده بود، بلکه بازتاب گرایش اجتماعی ناسیونالیستی که در سنتها و پراتیک روزمره تشکیلات خود را نشان می‌داد، در آن موقع ضعیف‌تر از آن بود که توجیه‌گر انشعاب باشد.

آنها با انشعاب غیر مسئولانه خود لطمات بسیار جدی به تشکیلات حزب وارد کرده و در شرایطی که خود همه ارگانهای تشکیلاتی و رهبری حزب را در دست داشتند، به تعهدات و مسئولیت خود پشت کرده و فشار و جنگ روانی ناروایی را بر اعضا و فعالین این تشکیلات تحمیل کردند. آنها انطباق قابل درکی را که می‌بایست با شرایط جدید صورت بگیرد و بطور آگاهانه سازمان داده شود، به هزیمت تبدیل کردند و بدین شکل باعث یأس و دل‌سردی فراوان در تشکیلات کردستان شدند.

بار دوم در سال ۲۰۰۰ باز عده‌ای حزب کمونیست را برای امر خود مانع و زائد دیدند و با بهانه نامربوط «کم بهادادن کومه‌له به مسئله ملی» راه انشعاب را در پیش گرفتند. اما توضیح واقعی علت حرکت آنها را نه از روی آنچه که خود ادعا می‌کنند بلکه با توجه به بازتاب بیرونی، منافع مادی و جایگاه عینی سیاسی که در آن قرار می‌گیرند، می‌توان استنتاج کرد. همه واقعیات و رویدادهای بعدی و موضع‌گیریهای سیاسی این جریان نشان داد که محتوای واقعی انشعاب آنها از لحاظ ایدئولوژیک کنار گذاشتن برنامه و آرمان کمونیستی و از لحاظ سیاسی هم‌نوایی با اصلاحات بورژوائی در ایران و بازتاب آن در کردستان بود. این تغییرات سیاسی در ایران بود که افق‌های جدیدی را بروی انشعابیون گشود و آنها را به وسوسه تغییر استراتژی و خط مشی کومه‌له انداخت و چون در این کار توفیق نیافتند راه انشعاب را پیمودند. سازمان دهندگان این انشعاب که از مدتها پیش برای «تسخیر کومه‌له» از کانالهای نامشروع کار می‌کردند و به شکل توطئه‌گرانه‌ای طرح انشعاب‌شان را ریخته بودند، با این کار خود به جنبش انقلابی خلق کرد و به تشکیلات کومه‌له لطمه زدند.

۳- اکنون نزدیک به دو دهه از تشکیل حزب کمونیست ایران می‌گذرد، شرایطی که در آن حزب کمونیست ایران ایجاد شد بسیار عوض شده است طی این دو دهه، چه در سطح جهان و چه در سطح ایران تغییرات زیادی اتفاق افتاده است فروپاشی اردوگاه شوروی، پایان مدل اقتصاد دولتی در جهان سوم، از توش و توان افتادن جنبش‌های ضدامپریالیستی و سربرکردن نئولیبرالیسم و غیره. در سطح ایران نیز شرایط کار ما بسیار دگرگون شده و تغییرات بزرگی اتفاق افتاده است. ظرف این ۲۰ سال جمعیت ایران تقریباً دوبرابر شده، مسایل اجتماعی ایران امروز نسبت به ۲۰ سال پیش کاملاً تازه است. سازمان‌ها و تفکر چپ انقلاب ۱۳۵۷ بیش از ۲۰ سال است که در جامعه فرصت عرض‌اندام وسیع نداشته و بجایش انواع فعالیت‌های فکری و اجتماعی دیگر جایگزین فعالیت صریح سیاسی چپ رادیکال شده است. شهرنشینی و باسوادی افزایش یافته، این شرایط کار جدید امروز ما را در وضعیت کاملاً متفاوتی نسبت به سال‌های اول فعالیت حزب کمونیست قرار داده است.

امروز در شرایطی که بورژوازی جهان ما را بسرعت بسوی فلاکت و تباهی سوق می‌دهد و سوسیالیسم تنها بدیل در پاسخ به جهمی است که سرمایه داری انسان را بدان گرفتار ساخته است، ایجاد صف مبارزه متحدانه کارگری و کمونیستی در هر کشوری بیش از هر زمان دیگری به یک نیاز سیاسی عاجل تبدیل شده است. در چنین شرایطی شناخت وضعیت جدید و وظایف عظیمی که بر دوش ما قرار گرفته است و چشم انداز روشنی که پیش‌روی جنبش سوسیالیستی قرار دارد، همه اینها بیش از پیش بر ضرورت حفظ حزب کمونیست ایران تاکید دارند.

در عرصه کردستان نیز از زاویه مبارزه و زندگی مردم کارگر و زحمتکش وجود حزب کمونیست ایران و فعالیت در این قالب حیاتی است. در عصری که ناسیونالیسم به کمک همه ذخایر فرهنگی و سیاسی و برنامه‌های خود به تفرقه در میان صفوف کارگران متعلق به ملیت‌های مختلف دامن می‌زند و ما هرروز شاهد فجایعی هستیم که تحت برنامه‌ها و خط‌مشی‌های سیاسی ناسیونالیستی در نقاط مختلف دنیا روی می‌دهد در اینجا در کردستان اتکاء به یک حزب و سازمان سراسری و کمونیستی می‌تواند به‌طور مؤثرتری به تقویت همبستگی طبقاتی کارگران کرد و غیرکرد کمک کند و از زاویه مصالح طبقاتی حال و آینده کارگران کرد و غیرکرد نیز ادامه فعالیت تحت نام حزب کمونیست ایران ضروری است. ما از این سنگر بهتر می‌توانیم به مقابله با آن حرکت رفرمیستی که بورژوازی ایران سردمدار آن است و می‌خواهد بحران سیاسی و اقتصادی جامعه ایران را از این طریق به نفع خود فیصله دهد، مبارزه کنیم. فعالیت در چهارچوب حزب کمونیست ایران و حضور در جبهه عمومی مبارزه برعلیه جمهوری اسلامی ما را در موقعیت بسیار بهتری برای خنثی‌کردن پروژه های بورژوازی ایران که بر علیه جنبش رفع ستم ملی در جریان است قرار می‌دهد. اگر حجم تحرک بورژوازی را در این جبهه برای به بیراهه‌کشیدن مبارزات مردم کردستان که این روزها در جریان است، درنظر بیاوریم اهمیت کار در این عرصه را بهتر درمی‌یابیم و بالاخره از لحاظ ضرورت حل مسئله ملی کرد به شیوه اصولی و مفید به حال کارگران و جامعه موجود کردستان، کومه‌له در چهارچوب حزب کمونیست ایران بهتر می‌تواند استراتژی و برنامه خود را برای حل مسئله ملی پیگیری کند. حزب کمونیست ایران مستقل از ارزیابی گذشته آن و مستقل از مسایل سازمانی امروزی آن، بخاطر واقعیات‌های فوق وجودش ضروری است.

کنگره دهم کومه‌له اعلام می‌دارد در تاریخ حیات سیاسی تکنونی این حزب چیزی جز خدمت به آرمان‌های انسانی و سوسیالیستی ثبت نخواهد شد و امروز نیز از کف دادن این پرچم و این ابزار چیزی جز گام برداشتن به عقب نیست. و باقی ماندن کومه‌له در این چارچوب هم کومه‌له را در موقعیت بهتری برای تحقق استراتژی خود در جنبش کردستان، قرار می‌دهد و هم کل جریان چپ و کمونیستی ایران را در جهت پیوند خوردن با جنبش طبقاتی کارگران و شکل دادن به بدیل کارگری در این راه تقویت می‌کند. ما با شور و امید به استقبال این افق می‌رویم.



**از سایت های حزب کمونیست ایران  
و کومه‌له بر روی شبکه اینترنت  
دیدن کنید!**

سایت حزب کمونیست ایران

[www.cpiran.org](http://www.cpiran.org)

سایت کومه‌له

[www.komalah.org](http://www.komalah.org)

سایت رادیو صدای کومه‌له

[www.radiokomaleh.com](http://www.radiokomaleh.com)

## بیانیه سیاسی کنگره دهم کومه‌له در باره وضعیت مبارزه سیاسی و طبقاتی در ایران و کردستان

(۱)

بحرانهای سیاسی و انقلابی نتوانسته است این مأموریت طبقاتی خود را به انجام برساند. امروز هم طبقه سرمایه دار ایران - چه آن بخش که سهمی در قدرت دارد و چه آن دسته که در خارج از مدار تصمیم‌گیری‌ها و قدرت دولتی قرار دارند و چه حتی حامیان و پشتیبانان بین‌المللی آنها - علیرغم اینکه هژمونی فکری خود را بر جامعه تأمین کرده اند و در مقایسه با دوره‌های گذشته از بنیه اقتصادی نیرومندتری برخوردارند، اما در شرایط فعلی سیاست کنار آمدن با مدل اصلاح شده همین رژیم را برای بقای منافع و موجودیت خود کم زیانتر می‌بینند. همه جناح‌های بورژوازی ایران و حتی نمایندگان سیاسی آنها در اپوزیسیون به شدت نگران سرنگونی جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب توده‌ای هستند. تجربه به بورژوازی نشان داده است که بدنبال هر برآمد انقلابی و قیام توده‌ای، اگر حتی قدرت سیاسی را هم به تمامی از کف ندهد، حداقل برای یک دوره نسبتاً طولانی منافع بورژوازی باید تابع مقتضیات دولت برآمده از انقلاب باشد.

سرمایه داران ایران، قدرتهای غربی و هم طبقه هایشان در سراسر جهان از عواقب بحران سیاسی کنونی نگران هستند و هرچند می‌دانند که توانائی‌های رژیم جمهوری اسلامی با ساختار کنونی‌اش برای پاسداری و حفظ منافع سرمایه در ایران محدود است، با این همه به تقلا افتاده اند تا ملزومات شکل دادن به یک حکومت و دولت متعارف سرمایه‌داری را از طریق اصلاح رژیم کنونی فراهم آورند و به کمک دستگاههای تبلیغاتی به آئرناتیو مورد نظرشان در نزد افکار عمومی در ایران و جهان هم مقبولیت بخشند.

جریان موسوم به «دوم خرداد» بدیل و راه‌حلی بود که می‌خواست خود را با جنبش اصلاحات بورژوائی هماهنگ کند و از این طریق بحران سیاسی موجود را مهار کرده و امکان ادامه حیات یک رژیم اسلامی اصلاح شده را فراهم نماید. این جریان در نخستین گام می‌بایستی جنبشهای اجتماعی موجود در جامعه را به کنترل خود درآورد و آنها را در موقعیتی قرار دهد که در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی مطالبات خود را تعقیب کنند و اصلاح جمهوری اسلامی را تنها راه رسیدن به خواستههای خود بدانند و به این ترتیب هم تغییرات و ثبات مورد نظر سرمایه داری ایران را به ارمغان آورند و هم جمهوری اسلامی را از خطر خیزشهای رادیکال توده‌ای رها سازند.

با گذشت بیش از ۵ سال این وظیفه محوری تحقق نیافته است. این جریان در نزد توده‌های مردم بی اعتبار شده و بی‌کفایتی خود را در نزد جناح راست رژیم هم در کنترل جنبش توده‌ای نشان داده است. مبارزات کارگران برای احقاق مطالباتشان گسترش یافته است و کارگران بارها پا را از محیط کارخانه و مراکز تولیدی فراتر نهاده و اعتراضات خود را به خیابانها کشانده‌اند. کارگران با به کار گرفتن اسلوب اعتصاب، تظاهرات خیابانی و راه‌بندان، دیوار سانسور و اختناق مطبوعات را در هم شکستند و از این طریق توجه افکار عمومی را به مطالبات و مبارزه عادلانه خود جلب کردند. حرکات آزادیخواهانه جوانان از کنترل اصلاح طلبان خارج شده اند. زنان هرگونه توهمی به بهبود موقعیت خود را تحت قوانین اسلامی حاکم از دست داده‌اند. جنبش انقلابی کردستان علیرغم پروژه‌های بدیل‌سازی و تلاش برای به انزوا کشاندن جریان رادیکال در این جنبش، همچنان برای دست یافتن به خواستههای عادلانه‌اش ادامه دارد.

جناح‌های حاکم در جمهوری اسلامی قادر نیستند دست به آنچه‌شان رفهمهای گسترده اقتصادی بزنند که وضعیت زندگی را برای میلیونها کارگر و زحمتکش و اکثریت حقوق بگیران جامعه قابل تحمل‌تر کند و از این راه زمینهای مادی انفجار و خیزشهای اجتماعی را از بین ببرند، سیاست

جامعه ایران آبستن تغییر و تحول است و رویارویی‌های حاد سیاسی و طبقاتی در راهند. بار دیگر پرونده حاکمیت سیاسی آینده ایران در برابر طبقات و گرایشات اجتماعی گشوده شده است. بخش‌های مختلف بورژوازی ایران و رژیم اسلامی با تمام قوا در تلاش‌اند که بحران سیاسی موجود را به نفع خود فیصله دهند.

مشقات اقتصادی زندگی کارگران و اقشار تهیدست و کم درآمد جامعه ایران را در چنگال خود می‌فشارد. هر روز خیل بیشتری از زنان و مردان کارگر به اردوی بیشمار کارگران بیکار می‌پیوندند. زندگی اکثریت خانواده‌های کارگری در زیر خط فقر می‌گذرد و ابعاد مشقات و فقر و فلاکتی که به طبقه کارگر تحمیل شده است در چهار دهه گذشته بی سابقه بوده است. زنان ایران در عرصه‌های مختلف حیات اجتماعی همچنان در زیر بار قوانین اسارتبار مذهبی و مردسالارانه بسر می‌برند و برای دستیابی به ابتدایی ترین حقوق انسانی خود باید همزمان در چندین سنگر بجنگند. جوانان ایران از فقدان آزادی و ممنوعیت اشاعه فرهنگ متمدنانه و پیشرو رنج می‌برند. بیکاری، افق زندگی و آینده آنان را تیره و تار کرده است.

در کنار چنین وضعیتی و با عمیق‌تر شدن شکافهای طبقاتی، دیگر آسیبهای اجتماعی هر روز بیشتر از روز قبل چهره تباهی آور خود را نشان میدهند. رشوه‌خواری، دزدی و فساد سرتاپای سیستم اداری کشور را فرا گرفته است. اعتیاد به مواد مخدر، افزایش بی سابقه شمار کودکان خیابانی، گسترش فحشاء، بصورت معضلات اجتماعی دردناکی در آمده‌اند. تمام این محرومیت‌ها و بیحقوقی‌ها نتیجه و عارضه مناسبات سرمایه‌داری حاکم در ایران و روبنای ایدئولوژیک و مذهبی آن است.

در متن گلوبالیزاسیون و روند جهانی‌شدن سرمایه، بورژوازی ایران نیز مانند هر جای دیگر دنیا منافع امروز و فردای خود را در تبعیت از رهنمودهای مراکز مالی سرمایه داری ادغام در بازار جهانی و منطبق شدن با الگوهای اقتصاد نئو لیبرالی جستجو می‌کند. امروز رژیم جمهوری اسلامی نیز می‌خواهد با سرعت بخشیدن به همین روند و از طریق جذب هر چه بیشتر سرمایه‌های خارجی، بهره گرفتن از نیروی کار ارزان کارگران ایران و تشدید بارآوری کار، به بحران و رکود اقتصادی در ایران پایان دهد و در واقع بحران خود را به بهای سیه روزی بیشتر طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران از سر بگذرانند.

اما جمهوری اسلامی و کل بورژوازی ایران برای پیشبرد این سیاست با مواعی روبرو هستند. آنها از یک سو بایستی خطر بر پائی یک انقلاب رادیکال اجتماعی را از سر بگذرانند و از سوی دیگر روبنای اداری، حقوقی، قضائی و فرهنگی متناسب با منافع دراز مدت خود را از نو سازمان دهند و زوائد دست و پاگیر را از پیش پا بردارند. جنبش اصلاحات سیاسی که بورژوازی تحت شعار «جامعه مدنی» و «حکومت قانون» آن را به راه انداخته است، قرار است همین موانع را از سر راه سرمایه داری ایران بردارد و دخالت مستقیم بخشهای مختلف بورژوازی ایران را در تصمیم‌گیریهای دولت و در عرصه های مختلف حیات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جامعه تأمین کند.

طبقه سرمایه دار ایران در طول تاریخ صد سال گذشته بارها برای ایجاد همین تغییرات در دولت و حاکمیت سیاسی ایران تلاش کرده است. اگر در اوایل قرن و در دوره انقلاب مشروطیت اساساً به دلیل ضعف بنیه اقتصادی نتوانست تغییرات مورد نظر را در رژیم سیاسی ایران ایجاد کند و سرانجام به دیکتاتوری رضا شاه تن داد، در دوره های بعد و در طول این قرن اساساً به دلیل



اجتماعی‌ای که علیه جمهوری اسلامی به میدان آمده‌اند شکل می‌گیرد و گام به گام توانایی و ظرفیت‌های خود را برای حل بحران سیاسی و اقتصادی و اجتماعی ایران تکمیل می‌کند.

شکل‌گیری آترناتیو یک روند و پدیده اجتماعی است، روندی که دو طبقه اصلی جامعه یعنی بورژوازی و طبقه کارگر و گرایش‌های سیاسی مختلف در آن درگیر هستند. همانگونه که بورژوازی برای شکل دادن به بدیل مورد نظر خود در تلاش است، کمونیستها و پیشروان کارگری هم از این شانس برخوردارند و می‌توانند با فعالیت و نقش آگاهانه خود زمینه را برای شکل‌گیری بدیل سوسیالیستی و کارگری آماده کنند و ما همه توان خود را برای تحقق چنین افقی بکار خواهیم گرفت.

اگر مبارزات کارگران از موقعیت دفاعی کنونی به یک موقعیت تعرضی حول شعارهای روشن طبقاتی ارتقاء یابد، تشکلهای کارگری بر پا داشته شوند و جریان سوسیالیستی در متن این مبارزه رشد کند، اگر زنان ستم‌دیده مبارزه خودشان را برای آزادی به مبارزه طبقه کارگر گره زنند و جریان سوسیالیستی در میان‌شان نیرومندتر شود، اگر میلیون‌ها حقوق‌بگیر دولتی، معلمان و کارمندان رده پایین جامعه خودشان را با کارگران هم سرنوشت ببینند، اگر مردم کردستان مبارزه خودشان برای رفع ستم ملی و دیگر ستمگریهای رژیم اسلامی را از مبارزه هم سرنوشت‌شان در سراسر ایران جدا نکنند و به نیروی ذخیره طرح‌های بورژوازی در قبال مسئله کرد تبدیل نشوند، اگر اعتبار و نفوذ کمونیستها با برنامه پیشرو، اراده انقلابی و افق روشن در جامعه رشد کند همه اینها به معنای آن خواهد بود که آترناتیو و راه حل کارگری و سوسیالیستی برای جانشینی رژیم دارد شکل می‌گیرد و شرایط برای به قدرت رسیدن طبقه کارگر دارد آماده می‌شود.

## (۲)

مردم کردستان همگام با کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر ایران برای تغییر وضع موجود و پایان دادن به شرایط فلاکت باری که بر آنها تحمیل شده است، گام بر می‌دارند. جنبش انقلابی در کردستان زنده است و کردستان می‌تواند یکی از کانونهای نیرومند انقلاب آتی ایران باشد.

سنت بیش از دو دهه مبارزه انقلابی بر علیه جمهوری اسلامی وجود احزاب سیاسی با نفوذ توده‌ای، جافتادان سیاستهای رادیکال در زمینه‌های مختلف اجتماعی (کارگران، زنان، جوانان)، از طریق کومه‌له، همه اینها توازن قوای متفاوتی را در مقایسه با بقیه نقاط ایران در شرایط فعلی بوجود آورده است. در عین حال در صورت بوجود آمدن یک وضعیت انقلابی در ایران جنبش رادیکال در کردستان نیز که کمونیستها و کارگران آگاه نیروی محرکه پیش برنده آترا تشکیل می‌دهند، می‌تواند به رکن مهمی در تقویت جبهه مبارزه کارگری و سوسیالیستی سراسری تبدیل شود. از اینرو کردستان ایران هم برای رژیم و هم برای نیروهای اپوزیسیون این رژیم، میدان کشمکش متفاوتی است و از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. باتوجه به این واقعیت است که نظریه پردازان و مجریان پروژه اصلاحات بورژوازی جنبش انقلابی کردستان را یکی از موانع اجرای نقشه هایش در جهت تحکیم حاکمیت سرمایه در ایران در دوره جدید می‌شناسند و به همین دلیل برای خنثی کردن آن برنامه ریزی می‌کنند.

جناح‌های مختلف رژیم و سردمداران حرکت بورژوازی اصلاحات سیاسی با درک این حساسیت، در این جا اختلافات داخلی خود را بر طبق یک توافق اعلام نشده تقریباً کنار گذاشته و می‌کوشند که در این عرصه بطور هماهنگ عمل کنند. آنها در تلاش‌اند تا بدیل خود را برای مقابله با جنبش انقلابی در کردستان و کنترل مبارزه مردم از درون، سازمان دهند.

روشنفکران «جامعه مدنی اسلامی» به جنب و جوش افتاده‌اند و در لابلای نوشته های صاحب نظران بورژوا لیبرال غربی به جستجوی پایه‌های نظری برای پروژه اصلاحات می‌پردازند و کارگزاران رژیم در داخل و

زهر چشم گرفتن از مردم به جان آمده و تشدید سرکوب و خفقان هم کارائی خود را از دست داده است. امروز حتی نظریه پردازان و رهبران جناح راست رژیم نیز از ضرورت اصلاحات صحبت میکنند. در این زمینه اگر اختلافی بین «دوم خردادها» و جناح راست رژیم هست اختلاف برسر سرعت و چگونگی اجرای اصلاحات مورد نظر است، بحث برسر این است که چگونه روند اصلاحات را چنان کنترل شده پیش ببرند که مجاری برای دخالت مستقیم طبقه کارگر و توده‌های محروم جامعه فراهم نگردد و پیوستگی نظام جمهوری اسلامی چه از لحاظ اسلامی ماندنش و چه از لحاظ پایبندی اش به افتخارات گذشته و احترام به چهره های شاخص آن حفظ گردد. بنابراین سرنوشت جریان «دوم خرداد» هرچه باشد، پروژه اصلاحات بورژوازی در جمهوری اسلامی ایران ادامه خواهد یافت.

اما حرکت اصلاحات بورژوازی و یا تمکین رژیم اسلامی به این اصلاحات، به هیچ وجه بمعنای بسط دموکراسی در جامعه ایران نیست. قرار نبوده و نیست پیشرفت این اصلاحات امکان دخالت آزادانه مردم را در حیات سیاسی جامعه تأمین کند. در پروژه اصلاحات آنها جایی برای آزادی مطبوعات سوسیالیستی و کارگری، آزادی ایجاد تشکلهای توده‌ای کارگری و فعالیت احزاب و سازمانهای سوسیالیست و کارگری وجود ندارد. کارنامه مجلس اصلاحات دوم خردادها آکنده از تصویب لایحه‌های ضد کارگری است. اگر طی چند سال گذشته گشایشی نسبی در فضای سیاسی جامعه ایران بوجود آمده است، نتیجه تحرک جبهه سیاسی و اجتماعی دیگری است که در ماورای دعوای بین دو جناح مدتهاست گشوده شده است و همه دستاوردهای آن سنگر به سنگر و به بهای فداکاری و سینه سپر کردن در برابر سیاست های سرکوبگرانه هر دو جناح بدست آمده است.

در مقابل استراتژی بورژوازی برای اصلاح رژیم جمهوری اسلامی طبقه کارگر و کمونیستها نمی‌توانند استراتژی‌ای جز سرنگونی جمهوری اسلامی، برقراری حکومت کارگری و تلاش برای استقرار جامعه سوسیالیستی داشته باشند. در مقابل تلاش گام به گام بورژوازی برای به کنترل درآوردن جنبش کارگری، جنبش خلق کرد، و جنبش‌های دموکراتیک دیگر، آترناتیو ما جزء مبارزه خستگی ناپذیر برای سازماندهی طبقه کارگر، برپایی تشکلهای توده‌ای کارگران و بسیج طبقه کارگر برای تصرف قدرت سیاسی نمی‌تواند چیز دیگری باشد. این تنها طبقه کارگر است که بنا به موقعیت عینی و ماهیت اهدافش می‌تواند در مقابل دیگر آترناتیوهای بورژوازی تا به آخر بایستد و به ستون فقرات و محور مبارزه توده‌ای و دیگر جنبش‌های اجتماعی در جامعه در مقابله با کلیت رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شود. این تنها حضور متشکل و مستقل طبقه کارگر آگاه به منافع طبقاتی خود در صحنه سیاست ایران است که می‌تواند مبارزه زنان، مبارزه جوانان و دیگر گروه‌های اجتماعی علیه جمهوری اسلامی و برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه‌شان را به جلو سوق دهد. سرنگونی جمهوری اسلامی از نظر ما بایستی از چنین مسیری بگذرد.

تجربه مبارزه طبقاتی در دیگر کشورهای جهان نشان داده است که حضور متشکل طبقه کارگر در صحنه مبارزه طبقاتی می‌تواند دستور مبارزات خود و دیگر اقشار و گروه‌های اجتماعی را نهادینه کند و با اتکاء به نهادینه کردن دستوردهای دموکراتیک این مبارزات موقعیت بورژوازی را در تمام زمینه‌ها مورد تعرض قرار دهد.

بنابراین در برابر آترناتیو و تلاش گام به گام بورژوازی برای استقرار نظام اداری و قضائی مورد نظر و تأمین دخالت مستقیم بخشهای مختلف بورژوازی در تصمیم گیری‌های دولت که تحت عنوان قانونمداری و جامعه مدنی تبلیغ و ترویج می‌شود، و در برابر تلاش سرمایه‌داران برای فلج کردن مبارزات عادلانه توده‌های محروم جامعه و در نطفه خفه کردن انقلاب، آترناتیو رادیکال و سوسیالیستی هم در جریان مبارزه سنگر به سنگر طبقه کارگر برای رسیدن به خواسته‌های عادلانه اش و برپایی تشکلهای توده‌ای کارگری و در جریان مبارزه زنان و دیگر اقشار محروم جامعه بر اساس توازن قوای میان نیروهای

فعالیت حزبی و سیاسی مخالف رژیم ممنوع است. تعقیب و تهدید و زندانی کردن‌ها کمکان ادامه دارد. حتی در زمینه‌های فرهنگی نیز هنر و فرهنگ پیشرو در کردستان به شدت زیر سانسور و تحت تعقیب است. تمام آنچه که در این زمینه‌ها بدست آمده است حاصل مبارزه سنگر به سنگر و قربانی دادندهای فراوان است.

کومه‌له در مقابل همه نقشه‌های رژیم و بورژوازی کرد که برای حل بحران جاری به قیمت تداوم ستم و استعمار در این جامعه جریان دارد، کارگران و توده‌های آزادیخواه و حق طلب کردستان را به مبارزه ای آگاهانه برای بی اثر کردن نقشه‌های فریبکارانه رژیم فرا می خواند.

طرح‌های اصلاحات دیکته شده از جانب طراحان «جامعه مدنی اسلامی» و وزارت اطلاعات رژیم در مقابل مبارزه علنی کارگران، زنان ستمدیده و جوانانی که از زیر بار ذلت و تحقیری که رژیم اسلامی بر آنها روا می دارد سر بلند کرده‌اند، به حاشیه رانده می شوند و محکوم به شکست اند. امروز تشکل‌های کارگری مستقل از نقشه‌های بورژوازی به همت رهبران قابل اتکاء و کاردان در میان کارگران، تشکل‌های زنان، جمع‌های فرهنگی و هنری پیشرو، مستقل از دست اندازی اصلاح طلبان ریاکاری که چهره رژیم اسلامی را بزرگ می کنند، تشکل‌های متنوع مربوط به جوانان، به تدریج در حال شکل گرفتن هستند. در زمینه فرهنگی در ماورای فرهنگ محدودنگر و محافظه کارانه‌ای که خود را با شرایط موجود تطبیق می دهد، هنری به تدریج سر بلند می کند که می کوشد از حرکت پیشرو در جامعه کردستان مایه بگیرد، محدوده‌های ملی را درنوردد و حتی زبانی جهانی برای بیان خود پیدا کند. این آن حرکت فرهنگی است که کومه‌له از آن پشتیبانی می کند و در تقویت آن می کوشد. مبارزه انقلابی در کردستان می‌تواند رژیم را وادار به عقب نشینی‌های بیشتری کند و فضای سیاسی گشوده تری را به وی تحمیل نماید. همه اینها پاسخ جنبش انقلابی به طرح‌های اصلاحات رژیم در کردستان‌اند. کومه‌له فعالین کارگری و مبارزین سوسیالیست و چهره‌های مورد اعتماد مردم را که روح این شرایط را درک می کنند و آموخته‌اند که چگونه در متن چنین اوضاع و احوالی و در یک مبارزه علنی و رودررو امر خود را به پیش ببرند، به برپایی این گونه حرکت‌های علنی و اصیل فرا می خواند.



خارج در تکاپوی گردآوری نیروی مناسب برای اجرای این طرح‌ها هستند. بورژوازی کرد در هیأت نمایندگان سیاسی جدیدتر خود نظیر اعضا کرد پارلمان اسلامی، گردانندگان انستیتو و مراکز فرهنگی و هنری دست پخت رژیم، منتظر الوکاله‌ها و افراد بومی که برای اشتغال پست‌های اجرائی وعده داده شده صف بسته‌اند، همگی در تلاش‌اند تا سهم مناسب خود را در قدرت بدست بیاورند. تقلیل دادن اهداف مبارزه مردم کردستان به چند خواست محدود فرهنگی، و انجام پاره‌ای اصلاحات محدود اداری، قرار است سهم خلق کرد از اصلاحاتی باشد که رژیم بعنوان آلترناتیوی در مقابل جنبش انقلابی کردستان به مردم عرضه می کند. در واقع حاصل پروژه اصلاحات مورد نظر رژیم نه بسط دموکراسی و کسب آزادیهای بیشتر و پایان یافتن تبعیضات و نابرابری‌ها بلکه نشان دادن راههای مشارکت بورژوازی کرد در قدرت است.

طی چند سال گذشته پروژه اصلاحات رژیم اسلامی در خارج از کشور، در میان جریان‌ات و عناصری از اپوزیسیون تبعیدی نیز سخن‌گویی پیدا کرده است. اظهار پشیمانی از گذشته، کنار کشیدن از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و رد کردن و نفی تاکتیک و سیاستهای انقلابی در قبال وضع موجود، توهم به حل مسائل از طریق راه‌های مسالمت آمیز و انجام دیالوگ، آنهم در شرایطی که رژیم همچنان زبانی جزء زبان زور و سرکوب با مخالفین خود بکار نمی برد، پاره‌ای از مشخصات این گرایش است.

اما مسئله جنبش انقلابی کردستان نه یک مسئله صرفاً فرهنگی و نه مسئله مربوط به بکار گماری مأمورین کرد زبان سرسپرده رژیم در پست‌های اداری در کردستان، بلکه مسئله اکثریت مردمی است که زیر خط فقر زندگی می‌کنند، مساله صدها هزار کارگر خانه بدوشی است که هر ساله برای تأمین یک زندگی بخور و نمیر خانه و کاشانه خود را رها و سرتاسر ایران را زیر پا می‌گذارند، مساله میلیونها کارگر بیکار، بی افقی جوانان، فاجعه زندگی پیران و از کار افتادگان، مرگ و میر کودکان و مادران باردار، عقب نگاه‌داشتن عمدی کردستان از لحاظ مراکز تولیدی و خدماتی، مسئله توزیع آگاهانه مواد مخدر، میلیتاریزه بودن کردستان و دهها معضل سیاسی و اجتماعی دیگر است. اجرای هیچ بخشی از این طرح‌های اصلاح طلبانه رژیم نه تنها به معنی پرداختن به معضلات فوق بلکه بمعنای تن دادن به گشایش سیاسی و بسط دموکراسی هم نبوده است. از مطبوعات آزاد و مستقل خبری نیست، هر نوع

## گوشه‌هایی از اعتراضات کارگری در سراسر جهان (نیمه اول آگوست)

از کارگران بخش خدمات عمومی در سراسر اسرائیل دست به یک اعتصاب سراسری زدند. اعتصاب کنندگان خواهان افزایش دستمزدهای خویش هستند. اعتصاب عظیم کارگران اسرائیل ۳ ساعت طول کشید و تقریباً بخشهای خدمات عمومی در سراسر اسرائیل را فلج ساخت.

**آفریقای جنوبی:** کارگران کارخانه بافندگی "پوما" دست به اعتصاب زدند. مهمترین مطالبه کارگران اعتصاب کننده، خواست آنها برای افزایش دستمزدهایشان به میزان ۱۳ درصد است. کارفرمایان افزایش ۴.۴ درصدی را پیشنهاد کرده اند. کشمکش کارگران با کارفرمایان بر سر این موضوع از ۴ هفته پیش شروع شده است و تاکنون هم ادامه دارد.

از مطالبات خود را امضا کرده و تا برآورده کردن این خواسته‌ها توسط کارفرمایان به اعتصاب خویش ادامه می دهند.

**اندونزی:** تعداد زیادی از کارگران و مقامات اتحادیه‌های کارگری در مقابل سفارت مالزی در جاکارتای جنوبی دست به اعتراض زدند. کارگران در اعتراض به قوانین جدید مالزی مبنی بر دپورت کارگران خارجی به کشورهای خود دست به این اقدام زدند. از ماه مارس، دولت مالزی بیش از ۳۰۰۰۰۰ نفر از کارگران خارجی را که بصورت غیرقانونی در این کشور مشغول کارگری بودند، به کشورهای خود بازگردانده اند. معترضین، دولت مالزی را "یک راسیست واقعی" خواندند.

**اسرائیل:** بیش از یک میلیون نفر

کارگران یکی از نواحی شهرداری شهر حیدرآباد روز سوم آگوست و بمدت ۲۴ ساعت، دست به اعتصاب زدند. این کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست به این اقدام زده بودند. بیشتر این کارگران بمدت ۲ ماه است که دستمزدهایشان را دریافت نکرده اند.

**هند:** بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر از معدنچیان کمپانی "سینگارینی کولیریس" از روز پنجم آگوست دست به اعتصاب زدند. کمپانی مذکور یکی از بزرگترین کمپانی‌های استخراج زغال سنگ در هند می باشد. کارگران اعتصاب کننده یک طومار ۴۰ ماده‌ای

**تایلند:** کارگران تاسیسات برق "متروپولیتن الکتریسیته اتاریتی" از مقابل ساختمان هیات دولت در بانکوک در اعتراض به نقشه‌های دولت مبنی بر سرعت بخشیدن به روند خصوصی‌سازی در این آژانس دولتی دست به راهپیمایی اعتراض آمیز زدند. کارگران بخشهای مختلف خدماتی در لنگرگاه بانکوک، راه آهن، ترانزیت و خدمات آبرسانی نیز در حمایت از اعتراض کارگران تاسیسات فوق به آنها پیوستند. این بخشها نیز در معرض خصوصی سازی قرار دارند.

**پاکستان:** بیش از ۳۰۰ نفر از

# قطعنامه کنگره دهم درباره استراتژی، سیاست و تاکتیک‌های ما در قبال مسئله ملی در کردستان ایران

## مقدمه:

ستم ملی یک واقعیت انکارناپذیر در کردستان است. مردم کردستان در سیاست‌های عملی و رسمی و در قوانین رژیم اسلامی حاکم نیز عملاً شهروندان درجه دوم به حساب آمده‌اند. مناطق کردنشین غرب ایران بر طبق یک سیاست تبعیض‌آمیز شوینیستی از لحاظ اقتصادی عقب نگاه داشته شده است. خواندن و نوشتن و آموزش به زبان مادری در مدارس ممنوع است. کلیه مسئولین اداری محلی در سطوح مختلف با دخالت بوروکراتیک دولت مرکزی و از میان افراد غیر کرد و یا کردی که مجری سیاست‌های تبعیض‌آمیز هستند، تعیین می‌شوند. سیاست‌های تبعیض‌آمیز در همه زمینه‌های مختلف پزشکی و درمانی، آموزشی و فرهنگی و خدماتی دیگر، مداوماً اعمال می‌شود که بازتاب آن را در بالا بودن میزان مرگ و میر اطفال، پایین بودن سن متوسط، زندگی دشوار پیران و از کارافتادگان، محرومیت از خدمات شهری، بقاء بیسودی و غیره بوضوح می‌توان دید. اگرچه موارد فوق درد و رنج مشترک همه کارگران و اقشار تهیدست جامعه ایران است اما با وجود این کردستان ایران در همه موارد فوق در پائین‌ترین رده‌ها در مقایسه با بقیه نقاط ایران قرار دارد.

حکومت‌های مرکزی پادشاهی و اسلامی، دهها سال است بنام حفظ تمامیت ارضی ایران هر حرکت حق‌طلبانه‌ای را که بر علیه این تبعیض و نابرابری صورت گرفته است به وحشیانه‌ترین شیوه سرکوب نموده‌اند. رفع ستم ملی از نظر ما یعنی پایان دادن به همه این بی‌حقوقی‌ها و تبعیضات.

فروپاشی اتحاد شوروی و تأثیرات آن بر آرایش جهان سرمایه‌داری، پایان جنگ سرد و آغاز دوره یک‌تازی و قدرقدرتی آمریکا در صحنه جهان،

سرعت پیدا کردن روند جهانگیری سرمایه، ظهور جریان اصلاح‌طلبی در صفوف رژیم اسلامی، رویدادهای سیاسی در بخش‌های دیگر کردستان و... همه و همه شرایط متفاوتی را برای کار ما در کردستان ایران بوجود آورده‌اند. این شرایط اهمیت و حساسیت بیشتری به سیاست و تاکتیک کمونیست‌ها در قبال مسئله ملی در کردستان ایران نیز بخشیده‌اند. در چنین شرایطی تأکید بر سیاست‌ها و مواضعی که در گذشته نیز در مورد آنها سخن گفته ایم، یکبار دیگر ضروری شده است. کومه‌له بعنوان جریانی رادیکال و کمونیست که همواره پیگیرانه برای رفع ستم ملی از مردم کردستان نیز مبارزه کرده است لازم است تا یکبار دیگر بر خطوط اساسی استراتژی و سیاست خود در رابطه با مسئله ملی در کردستان تأکید نماید.

## ۱- مسئله کرد در کردستان ایران و پروژه اصلاحات بورژوائی

جریان اصلاح‌طلب که امروز دست اندرکار تبدیل کردن رژیم جمهوری اسلامی به یک رژیم متعارف بورژوائی است، درصدد است که با دست اندازی به عرصه جنبش انقلابی کردستان این جنبش را کنترل کند، آنرا از محتوای دمکراتیک، رهایی‌بخش و رادیکال خود خالی نماید و در خدمت نقشه‌های عمومی‌اش برای آینده ایران بکار گیرد. این جریان می‌خواهد با انجام پاره‌ای اصلاحات تدریجی و گام به گام اداری و دادن امتیازاتی در زمینه‌های فرهنگ ملی، مبارزات مردم کردستان را فروبشانند. در این پروژه «حق شهروندی» در یک «جامعه مدنی اسلامی»، زیر سلطه یک دولت مذهبی، قرار است مردم کردستان را

از قید ستم ملی رها سازد.

چنین طرح‌هایی هرگز به رهائی مردم کردستان از قید ستم ملی منجر نخواهند شد و در صورت تحقق در بهترین حالت این بورژوازی کرد خواهد بود که مورد ستم قرار نمی‌گیرد راه مشارکت او در قدرت محلی و سراسری هموار می‌شود و سهم خود را از استثمار مردم کارگر و زحمتکش می‌گیرد. ستم ملی سیاستی مبتنی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مسلط در این جامعه است. بورژوازی با تبلیغ و برجسته کردن جنبه‌های فرهنگی، دست اندر کار لاپوشانی کردن آن است و در واقع برای تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان کردستان در زیر لوای وحدت زبانی و فرهنگی برنامه‌ریزی می‌کند. اگر روزگاری خواست خودمختاری برای رشد بورژوازی کرد می‌توانست مسیر واقع‌بینانه‌ای باشد امروز این مطالبه گذشته‌وی را نمایندگی می‌کند. اکنون سرمایه‌دار کرد همراه با بورژوازی سراسر ایران تحقق آرزوهای خود را در تعقیب اصلاحات سیاسی تدریجی در حکومت موجود می‌بیند، به آن دل بسته است و برای آن برنامه می‌ریزد. تشکیل فراکسیون نمایندگان کرد در مجلس اسلامی، براه افتادن انستیتوی فرهنگی، انتشار روزنامه به زبان کردی، بازشدن مجرا برای بعضی فعالیت‌های فرهنگی کنترل شده، سپردن پاره‌ای از پست‌های محلی به افراد بومی، اینها همگی روزه‌هایی هستند که در این مرحله در راستای این پروژه عمومی، باز شده‌اند.

روند فوق در واقع بخشی از نقشه عمومی بورژوازی ایران برای حل بحران کنونی از طریق پیشبرد پروژه اصلاحات است. جنبش انقلابی کردستان یکی از موانع موجود بر سر راه طرح‌های جریان اصلاح‌طلب در ایران است. اما اجرای این نقشه‌ها در کردستان با دشواری و پیچیدگی‌های بیشتری روبرو است. سنت

مبارزه و مقاومت انقلابی در کردستان، نفوذ اجتماعی کومه‌له، توازن قوای مساعدتر مبارزاتی، اجازه نمی‌دهند که پروژه‌های جدید بورژوازی و رژیم اسلامی‌اش برای کردستان به پیش بروند. افشاء این نقشه‌ها و آشکار کردن اهداف واقعی که در پشت آنها نهفته است یک وظیفه تعطیل‌ناپذیر کومه‌له است.

## ۲- درباره شعار فدرالیسم در شرایط کنونی

یکی دیگر از طرح‌هایی که در رابطه با رفع ستم ملی مطرح می‌شود، شعار فدرالیسم است. مبلغان این شعار آترا راه‌حل واقع‌بینانه و عملی‌تری برای رفع ستم ملی معرفی می‌کنند. در سطح کلی فدرالیسم طرحی است مربوط به آرایش و حدود اختیارات دولت مرکزی. در چنین آرایشی بنا به تعریف همه ابزارهای ستمگری و سرکوب (ارتش و نیروهای امنیتی، سیاست خارجی، پول و برنامه اقتصادی درازمدت) کماکان در دست دولت مرکزی باقی خواهد ماند. واضح است که این بسته به ماهیت دولت مرکزی است که چگونه از این ابزارها استفاده می‌کند و شعار فدرالیسم توجهی به ماهیت رژیم حاکم ندارد. مبلغان این شعار چنین وانمود می‌سازند که گویا وجود ستم ملی در کردستان ناشی از آرایش دولت مرکزی است و نه از ماهیت آن و بنابراین گویا بدون مبارزه برای تغییر ماهیت این دولت و تنها در صورت فدرال شدن کردستان مسئله ملی حل خواهد شد. از همین رو است که در استراتژی عملی این دیدگاه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و یا هر رژیم بورژوائی دیگری جایگاهی ندارد. بدین ترتیب شعار فدرالیسم در شرایط کنونی



⇒ استراتژی غیر انقلابی و سازشکارانه ذاتی خود را در رابطه با رژیم پنهان می‌کند. در واقع برخلاف مسیری که اصلاح‌طلبان در این رابطه در پیش گرفته‌اند و پایه مادی سیاستشان مشارکت دادن بورژوازی کرد در قدرت سیاسی محلی و سراسری و سهم‌بری از استعمار کارگر کرد و غیر کرد است، آنگونه که در آذربایجان عملی شده است - و یا برعکس مسیری که خودمختاری را به برقراری دموکراسی در ایران گره می‌زند، این باصطلاح راه‌حل مسئله کرد خیالی است. هیچگونه پایه مادی ندارد و امکان عملی تحقق آن موجود نیست و در عمل چیزی جز منزلی انتقالی برای همان طرح‌های اصلاح‌طلبان نخواهد بود.

مسئله اصلی این است که از چه راهی قرار است کردستان فدرال متحقق شود؟ هیاهو پیرامون این شعار نمی‌تواند تفاوتها در پاسخ به این سؤال را پنهان سازد. بدون برقراری یک دموکراسی سیاسی پیگیر در ایران رفع ستم ملی از مردم کرد یک توهم است.

### ۳- کومه‌له

#### و راه حل مسئله ملی در کردستان

الف. همانطوری که همیشه گفتیم، ما خواهان حق تعیین سرنوشت بمعنی حق تشکیل دولت مستقل برای مردم کردستان هستیم. اما شرایطی که در آن مردم کردستان بتوانند بدون نگرانی از تهدیدات و اعمال فشارهای نظامی، پلیسی، سیاسی و اقتصادی و غیره آزادانه از این حق خود استفاده کنند، با مبارزه برای یک اعتلای انقلابی در ایران و تغییر ماهیت رژیم حاکم برقراری آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی، ایجاد می‌شود. بر این مبنی تنها راه واقع‌بینانه رفع ستم ملی از خلق کرد مشارکت مردم کردستان در یک جنبش انقلابی سراسری به منظور سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری رژیمی است که بر خودمختاری عملی از همه حقوق دموکراتیک مردم را تأمین کند. ما به همراه کارگران و زحمتکش

کرد برای تحقق این چشم‌انداز مبارزه می‌کنیم و همه مردم کردستان را به همراهی در این راه فرا می‌خوانیم. بدیهی است که با ایجاد چنین شرایط دموکراتیکی این مردم کردستان هستند که تصمیم می‌گیرند چگونه از این حقشان استفاده کنند. اما با توجه به اوضاع جهانی و مجموعه عوامل محلی و منطقه‌ای و شرایط بخش‌های دیگر کردستان، ما باقی‌ماندن در چهارچوب ایران و مشارکت مردم کردستان در یک حکومت مستقیم کارگران و زحمتکش را توصیه می‌کنیم.

در طرح کارگران برای حل مسئله ملی در کردستان که از نخستین روز پیروزی همراه با برنامه حداقل برای همه ایران، رسماً اعلام و به مورد اجرا درخواهد آمد، کلیه نهادها و ارگانهای نظامی و امنیتی و غیره که بانی ستم و تبعیض هستند، برچیده می‌شوند. کلیه قوانین و موانع حقوقی که براساس تبعیض‌آمیز شکل گرفته‌اند ملغی می‌گردند. اداره امور کردستان به شوراهای منتخب مردم در سطوح مختلف و شورای نمایندگان سراسری کردستان سپرده می‌شود، شوراهائی که هم قانونگذار و هم مجری قانون خواهند بود. برنامه‌های مشخص برای گسترش مراکز تولیدی و جبران عقب‌ماندگی‌های اقتصادی ناشی از تبعیض ملی به هزینه بودجه دولت مرکزی، به مورد اجرا گذاشته می‌شود. از طریق بالابردن سطح سواد و آموزشهای فنی و حرفه‌ای، بالابردن سطح خدمات عمومی و غیره امکان واقعی برخورداری از حقوق برابر برای مردم کردستان فراهم می‌گردد. نمایندگان شوراهای سراسری کردستان بدون هیچگونه قید و شرط و تبعیضی در ارگانهای سراسری اداره امور ایران شرکت خواهند کرد.

با تحقق چنین شرایطی و با درپیش‌گرفتن سیاستهای آگاهانه آموزشی و فرهنگی هرگونه ناهمانگی احتمالی میان ملیتهای مختلف زوال می‌یابد و هویت انسانی افراد متعلق به ملیتهای مختلف و راه درهم آمیختن آنها هموارتر می‌گردد چنین جامعه‌ای با پدیده ستم ملی بیگانه خواهد شد. در این صورت کشیدن هرگونه حصاری

به دور کردستان به معنی واگذارکردن اداره این جامعه به تناسب قوای سیاسی و طبقاتی موجود در آن، یعنی محروم کردن کارگران کردستان از دست آوردها و پشتیبانی هم طبقه‌ای‌های خود در سطح سراسری است. چشم‌داشتن به یک افق سراسری، همراه با کارگران و همه مبارزین انقلابی و سوسیالیست در ایران سهل‌ترین و کم دردمترین راه برای رفع ستم ملی و تحقق اهداف و مطالبات حق‌طلبانه مردم کردستان است.

ب. تا وقتی رژیم در ایران بر سر کار است که با آزادی و حقوق ابتدائی انسان، دشمنی می‌ورزد و ابزارهای اصلی سرکوب را در دست دارد، تحت هیچ طرح و پلاتفرمی نمیتوان از حل مسئله ملی در کردستان سخن گفت. اما در مبارزه برای رفع ستم ملی بر مردم کردستان، مانند هر مبارزه دموکراتیک و انقلابی دیگری برعلیه رژیم، هر درجه‌ای از محدود شدن اختیارات چنین رژیم در کردستان در یک توازن قوای معین، بدون شک دست‌آوردی است که برای کسب آن باید مبارزه کرد. کما اینکه در سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۰ با خارج شدن کنترل بخشی از شهرهای کردستان از دست رژیم و آغاز روند مذاکره، فضای نسبتاً دموکراتیکی در کردستان بوجود آمد که پشتوانه سالها مقاومت بعدی مردم در برابر سلطه رژیم اسلامی بر جامعه کردستان شد. در زمینه ستم ملی نیز امکان پیداشدن گشایش‌ها و کسب دست‌آوردهای معین وجود دارد. ما از تحکیم این دست‌آوردها دفاع می‌کنیم و در همه لحظات این حرکتها نیز حضور خواهیم داشت. در یک توازن قوای معین حتی اشکالی از خودمختاری و حاکمیت محلی و غیره که سلطه رژیمی سرکوبگر و دشمن آزادی و حقوق مردم را در جهت تحقق اهداف درازمدت این مبارزه محدود کند، قابل بررسی و اتخاذ است. ما همچنین از هر رفرم و تغییر در اقتصاد و فرهنگ جامعه - ایجاد صنایع، آموزشگاههای حرفه‌ای گسترش دانشگاهها و مؤسسات فرهنگی و غیره به نفع توده‌های مردم ستم‌دیده، منوط به اینکه تأثیرات منفی معنوی

و سیاسی بر مردم و مبارزه‌شان نگذارد و به همبستگی مبارزاتی آنها با کارگران و زحمتکش ایران لطمه نزند دفاع می‌کنیم و از آن بعنوان اهرمی برای پیشبرد مبارزه انقلابی که یگانه راه‌حل پیگیر مسئله ملی است بهره می‌گیریم.

در برابر آشفتگی بورژوازی کرد که راه‌حل گذشته‌اش به حکم تاریخ و تحولات اقتصادی سیاسی جهانی و ایرانی، اعتبار خود را از دست داده است و طرح فعلی‌اش برای کردستان با سدآگاهی و رشد جنبش انقلابی روبرو است، در برابر طرح خیالی فدرالیسم که محتوای سیاسی واقعی آن دست شستن از استراتژی سوسیالیستی و کارگری است و نقش انتقال از جنبش انقلابی به نقشه‌های اصلاح رژیم را دارد، طرح کومه‌له از دیدگاه منافع طبقه کارگر در عین حال منطبق با حل عملی و واقع‌بینانه مسئله ملی است.

ج. روشن است که استراتژی ما متوجه حل مسئله ملی در کردستان ایران است. اما مسئله کرد بعنوان یکی از مسائل گرهی سیاسی در خاورمیانه، ابعادی جهانی دارد. مسائل بخش‌های مختلف کردستان بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند و این مردم عملاً در پیروزی‌ها، شکست‌ها، آوارگی‌ها، جنگهای داخلی و غیره از همدیگر تأثیر می‌پذیرند. کومه‌له بعنوان یک جریان سوسیالیست و انترناسیونالیست که می‌کوشد جنبش انقلابی کردستان ایران را رهبری و به پیروزی برساند، فعالیت در این عرصه را نیز یکی از اجزاء با اهمیت کار خود به حساب می‌آورد و در آن ایفای نقش خواهد کرد و در این رابطه برای خنثی کردن سیاستها و توطئه‌های مشترکی که توسط بورژوازی منطقه‌ای و جهانی برای به شکست کشاندن مبارزات عادلانه مردم کرد تدارک دیده می‌شود، خواهد کوشید، در مجامع بین‌المللی که برسر مسئله کرد برگزار میشود؛ شرکت می‌کند و در هماهنگی با حرکات آزادیخواهانه و مترقی که در خارج از کشور صورت می‌گیرد از مبارزات مردم بخش‌های مختلف کردستان پشتیبانی خواهد کرد.



## قطعنامه کنگره دهم کومه‌له درباره تبلیغات و سازماندهی مبارزه توده‌ای علیه گسترش مواد مخدر در کردستان

۱- دامنه تبلیغات رادیویی، نوشتاری و شفاهی علیه مواد مخدر و پیامدهای آن را با هدف جلوگیری از افزایش شمار معتادان به مواد مخدر گسترش می‌دهد.

۲- معتادین را به ترک اعتیاد و بازگشت به زندگی طبیعی دعوت می‌کند و از آن‌ها می‌خواهد که از تمام امکانات موجود در جامعه برای ترک اعتیاد استفاده کنند. در حد امکان، با سازمانها و نهادهای غیر دولتی کشورها و نهادهای بین‌المللی که حاضر به مشارکت در امر بازپروری انسانی باشند، تماس برقرار کرده و می‌کوشد حمایت مادی و معنوی آنها را جلب نماید.

۳- از هر مبارزه توده‌ای که علیه قاچاقچیان، فروشندگان و توزیع کنندگان مواد مخدر برپا شود، حمایت و آن را تقویت می‌کند. و خود راساً در برپا کردن این مبارزات دخالت و آن را سازمان می‌دهد. تشکیل "بنکه‌های مردمی علیه اعتیاد" در محلات و محیط کار و تحصیل را بعنوان نهادی مبارزاتی توصیه می‌کند.

۴- افشای دخالت ارگانها و دست‌اندرکاران حکومتی در قاچاق و یا رشوه‌گیری از قاچاقچیان حرفه‌ای را وظیفه خود می‌داند. و در این رابطه همه مردم مبارز کردستان را به ارسال گزارشات مستند برای رادیوها و نشریات کومه‌له دعوت می‌کند.

۵- ریاکاری و جاروجنگالهای تبلیغاتی جمهوری اسلامی با هدف گرفتن کمک‌های بین‌المللی، اما عدم اختصاص آن به بازسازی و بازپروری معتادین و فراهم نیوردن زمین‌ها و بستر مناسب برای جلوگیری از رشد اعتیاد را افشاء می‌کند.

کنگره دهم کومه‌له ضمن ابراز همدردی عمیق خود با قربانیان اعتیاد به مواد مخدر، شاخص موفقیت و پیشبرد این مبارزه را در گرو توده‌ای شدن و دخالت هرچه بیشتر مردم شرافتمند و قربانیان اعتیاد در آن می‌داند. ■

اعتیاد به مواد مخدر به یک بلای خانمانسوز و معضلی عظیم در جامعه کردستان تبدیل شده و زندگی جوانان و خانواده‌های بسیاری را به تباهی کشانده است.

جمهوری اسلامی ایران و دست‌اندرکاران محلی‌اش در دوره اوج مبارزه و جنگ انقلابی مردم کردستان علیه رژیم، با هدف جلوگیری از پیوستن جوانان کردستان به صفوف این مبارزه و جنگ انقلابی، با دخالت مستقیم خود در توزیع مواد مخدر در میان مردم، معتاد کردن جوانان را به سیاستی عملی تبدیل کردند.

علاوه براین، در جریان جنگ ارتجاعی ایران و عراق به منظور به پیش راندن جوانان در عملیات خنثی کردن میدانهای مین، نگهداشتن آنها در میدانهای جنگ، توزیع و مصرف مواد مخدر در جبهه‌ها را نادیده گرفتند. در نتیجه اجرای سیاست توزیع مواد مخدر توسط نیروهای امنیتی و سپاه پاسداران بود که بازارهای داخلی ایران نیز از این ماده ویرانگر اشباع گردید و تجارت مواد مخدر به یکی از منابع درآمد سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات رژیم تبدیل شد.

اجرای این سیاستها در کنار بیکاری میلیونی، فقر و فاقه حاکم بر زندگی مردم تهیدست، پیامدها و آسیب‌های اجتماعی فراوانی به بار آورده است. رشد روز افزون طلاق و متلاشی شدن کانون‌های خانوادگی، گسترش بیسابقه کودکان خیابانی، رشد چشمگیر و دائر شدن مراکز تن فروشی، پیدایش مافیا و شبکه‌های قاچاق سگس دختران کم سن و سال، ابتلای معتادین تزریقی به امراضی چون هپاتیت و ایدز و تبدیل این امراض به یک اپیدمی خطرناک در زندانهای کشور، مرگ روزمره معتادین و خودکشی جوانان، و تبدیل قاچاق و فروش مواد مخدر به یک شغل و منبع درآمد تنها بخشی از آسیب‌های اجتماعی ناشی از این وضعیت‌اند.

کنگره دهم کومه‌له به منظور مقابله با گسترش روز افزون اعتیاد به مواد مخدر، بر کار آگاه‌گرانه و ایجاد همبستگی توده‌ای تاکید می‌کند. در همین رابطه تبلیغ و سازماندهی مبارزه علیه آن را وظیفه عاجل کومه‌له و فعالین محلی آن در دور آتی می‌داند و موارد زیر را در دستور کار خود قرار می‌دهد.

از صفحه ۱۰

### استواری بر رسالتی پیشرو!

کردستان و ایفاء نقشی رادیکال و پیشرو در این جامعه آن انتظار و توقع واقعی است که کارگران و محرومان جامعه از کومه‌له دارند. کومه‌له همچون قطب رادیکال و سوسیالیست جامعه کردستان تلاش خواهد کرد که جنبشهای فعال در جامعه را در جهت منافع کارگران و محرومان جامعه و برای تحقق استراتژی سوسیالیستی خویش متحد

نماید. کومه‌له از هر درجه تلاش مستقل و صادقانه برای یک زندگی بهتر و کم کردن درد و رنج محرومان جامعه پشتیبانی کرده و در جهت تقویت آن تلاش خواهد کرد. کومه‌له جریان مسئولی است که همچنان به شکل جدی برای رهبری و به پیروزی رساندن جنبش آزادیبخش کردستان با اتکاء به مبارزه انقلابی توده‌های مبارز تلاش خواهد کرد.

تلاش پیگیر و فعالیت دلسوزانه همه فعالین کومه‌له در پراتیک کردن مصوبات و جهت‌گیریهای کنگره دهم ضامن واقعی تامین این رسالت پیشرو است و امری که منجر به جلو سوق دادن بیشتر پتانسیل عظیم جنبش

انقلابی کارگران و توده‌های محروم در جامعه کردستان خواهد گردید. جنبشی که مرزهای محلی را در نوردیده و به همراه جنبش سراسری کارگران جامعه را در مسیری رادیکال و پر تکاپو برای ایجاد تغییرات بنیادی - اجتماعی به جلو سوق خواهد داد. باشد که همگی دلسوزانه در این راه بکوشیم، چرا که تنها تلاش پیگیرانه فعالین سیاسی مصمم و تشکیلاتی جدی است که ضامن تحقق اهداف انسانی و مصوبات جدی خواهد بود و این آن پراتیکی است که کومه‌له امروز بیشتر از هر زمانی به آن احتیاج دارد .

۱۵-۸-۲۰۰۲

### نشریه پیشرو

ارگان

### کمیته مرکزی کومه‌له

را می‌توانید با مراجعه به آدرس اینترنتی زیر دریافت کنید.

[www.komalah.org](http://www.komalah.org)



با ارسال خبر و گزارش، نظر و پیشنهادات طرح و عکس، به انتشار پورتال جهان امروز کمک کنید.

جلال محمدنژاد

## استواری بر رسالتی پیشرو!

کنگره دهم کومه‌له توجه افکار عمومی، محافل و اجتماعات مردم چه در شهرهای کردستان ایران، چه در خارج کشور و چه در شهرهای کردستان عراق از یک طرف و احزاب سیاسی و جریان‌های چپ ایران از طرف دیگر را جلب کرده و نتایج و سرنوشت آن مورد توجه قرار گرفته است. مردم در شهرهای کردستان ایران وسیعاً در مورد این کنگره و نتایج آن - حتی در ملاء عام - بحث و جدل کرده‌اند. پخش وسیع و بلافاصله مصوبات و بحث‌های کنگره از جانب رادیوی کومه‌له و رادیو صدای حزب کمونیست به این توجه سیاسی به کنگره بیشتر دامن زده است. کومه‌له جریانی اجتماعی و نقطه امید کارگران و ستمدیدگان کردستان است و بهمین خاطر سرنوشت آن برای مردم کردستان و دلسوزان جنبش کارگری و مبارزه انقلابی حساس بوده و در مقاطع کنگره‌ها و تحولات جدی در این جریان، چشمان بسیاری منتظر نتایج این تحولات هستند. نقش و جایگاه کومه‌له در جنبش کردستان آنچنان است که همه در نظر دارند در سیاست و عملکرد خویش به تصمیمات و سیاست‌های آن توجه کنند.

طبقات اجتماعی، گرایش و روندهای اجتماعی هر کدام در این مقاطع توقعات و چشم‌اندازی از کومه‌له دارند و تمایل دارند که کومه‌له در جهت سیاست و تمایل آنها چرخش و تغییر پیدا کرده و موقعیت و منافع آنها را در جامعه تقویت نماید. تا جائیکه این گرایشات هرکدام به نحوی در فکر تاثیرگذاری بر روند تحولات کومه‌له هستند و برای آن تلاش می‌کنند. سازمانها و جریان‌های چپ ایران نگران این بودند که حزب کمونیست به عنوان یکی از جریان‌های چپ که می‌تواند در جهت متحد کردن جنبش کمونیستی ایران و در راه شکل دادن یک قطب اجتماعی سوسیالیستی در ایران نقش جدی ایفا کند، در این کنگره لطمه بخورد. جنبش اصلاح

طلبی در ایران و کردستان تمایل داشتند که کومه‌له زبان «دیالوگ با جامعه مدنی» پیدا کرده و از انتقاد کردن رادیکال و افشاء نهادهای دست پخت جریان اصلاح طلب حکومتی در کردستان و ایران کوتاه بیاید و به رفرم‌های خرد و ریز فرهنگی در کردستان رضایت بدهد. و کسانی که «گردایه‌تی» همه هویتشان را تشکیل می‌دهد، دوست داشتند که کومه‌له از استراتژی سراسری - سوسیالیستی و مبارزه برای تامین همبستگی طبقاتی کارگران ایران و کردستان کوتاه آید. و دو جریان انشعابی از کومه‌له و حزب کمونیست هر کدام به شکلی و از زاویه‌ای رهنمود داهیان به کنگره می‌دادند که حزب کمونیست و «تابلو» آن را منحل کنند و به مبارزه در چهارچوب کردستان بسنده کنند.

شکی نیست که چشم‌انداز و توقع کارگران و تهیدستان کردستان و مردم آزادیخواه از کومه‌له چیزی دیگر بوده و است. آنان نیز به نوبه خود انتظار دارند که کومه‌له منافع و آرزوهای آنها را نمایندگی کرده و در این جهت گام بردارد. هر جریان سیاسی در نهایت یک رسالت معینی در جامعه دارد. رسالتی که منافع طبقه معین اجتماعی را نمایندگی می‌کند. آنچه به باور من رسالت اجتماعی کومه‌له را تشکیل می‌دهد و کنگره دهم همچنان بر این رسالت پیشرو استوار است عبارت است از: استواری بر جهان بینی کمونیستی، دفاع از منافع طبقاتی و مشترک کارگران و محرومان جامعه، تامین همبستگی سراسری کارگران و جنبش انقلابی در کردستان و ایران، دخالت فعال و واقع‌بینانه در جنبشها و مبارزات انقلابی، افشاء جنبش‌های اصلاح طلب و رفرمیستی و نشان دادن پشت پرده‌های طرح‌های مطرح در جامعه، دفاع پیگیرانه از حقوق انسانی ملت آزادیخواه کرد و تاکید مجدد بر یک استراتژی همه‌جانبه سوسیالیستی در کردستان و ایران. این آن رسالت و چشم‌اندازی است که

کارگران کردستان و جنبش اجتماعی چپ در ایران از کنگره کومه‌له داشتند و مصوبات کنگره نشان می‌دهد که کومه‌له به این رسالت پیشرو در جامعه کردستان وفادار است. در این کنگره کومه‌له، افق روشنی ترسیم کرده و اوضاع سیاسی در ایران و کردستان را به روشنی تحلیل کرده و بر استراتژی سراسری و حفظ حزب کمونیست قاطعانه ایستادگی کرده است. در این کنگره کومه‌له سیاست و استراتژی خود در مورد حل قطعی ستم ملی در کردستان را به روشنی بیان کرده است. و در مورد جنبش‌های اجتماعی در کردستان از قبیل جنبش کارگری، زنان و جوانان قطعنامه صادر کرده و بر دخالت فعال کومه‌له در مبارزه انقلابی در کردستان تاکید نموده است. کومه‌له با درایت سیاسی هدف‌های پشت پرده جنبش اصلاحات و محدودنگری‌های فدرالیسم و راه‌حلهای دیگر در مورد رفع ستم ملی را روشن کرده و محدودنگری‌ها و مخاطرات آن را برای مردم کردستان خاطر نشان کرده است.

اما همانطور که اشاره رفت این جهت‌گیریها و دستاوردهای کنگره کومه‌له به مذاق همه خوش نخواهد آمد. کسانی که در تلاش طرح ریزی برای هماهنگ شدن با طراحان جنبش اصلاح طلبی در ایران برای سر و ته بریدن خواستهای ملت کرد و محدود کردن آن در چهارچوب خواستهای محدود فرهنگی هستند و همچنین صاحبانی که نگران تمامیت ارضی ایران جاویدان هستند، طبعاً از تاکید مجدد کومه‌له بر حق تعیین سرنوشت ملت کرد، ارائه راه حل سوسیالیستی برای حل قطعی ستم ملی در کردستان و افشای ماهیت رفرمیستی طرح‌های آنها خوشحال نیستند. و از این فراتر، از تاکید کومه‌له بر همگامی جنبش انقلابی کردستان با مبارزه انقلابی کارگران و محرومان سراسر ایران برای سرنگونی جمهوری اسلامی در جهت تحقق استراتژی سوسیالیستی بهیچوجه

خرسند نخواهند شد. کسانی که از راست و «چپ» از کومه‌له انتظار داشتند از استراتژی سراسری و کمونیستی دست شسته و حزب کمونیست ایران را منحل نمایند، از صادر شدن بیانیهای که بیانگر تصمیم قاطع اکثریت بالایی از شرکت کنندگان در کنگره در دفاع از حزب کمونیست و اتخاذ جهت‌گیری‌های عملی در جهت ایفاء نقش فعالتر در این زمینه می‌باشد، اظهار رضایت نخواهند کرد. و بالاخره در این دنیایی که دمکراسی، نظم نوین و جامعه مدنی به استراتژی و هویت بسیاری از انسانها تبدیل شده، استواری بر ایده های کمونیستی و تاکید بر مبارزه طبقاتی کارگران، اصرار بر حرف‌های «کلی و نسخه‌های قدیمی» به حساب خواهد آمد.

اما سنگینی واقعی بار ستم ملی، طبقاتی، جنسی و سایر تضیقات نظام سرمایه‌داری را کارگران و ستمدیدگان جامعه بر دوش می‌کنند و کومه‌له در میان این طیف عظیم اجتماعی پایگاه مادی داشته و از نفوذ توده‌ای چشمگیر در کردستان برخوردار است. استواری کومه‌له بر رسالت کمونیستی و پیشرو که جهت اصلی کنگره و همه مصوبات آن را تشکیل می‌دهد، باعث امیدواری و خرسندی وسیع کارگران و مردم زحمتکش و جنبش اجتماعی آنها خواهد شد. کنگره کومه‌له نشست وسیع جریان اجتماعی بود که بعد از دوره طولانی از بحث‌های داخلی و ضربات ناشی از انشعاب، اینبار به طور جدی روی مسائل و جنبش‌های مطرح در جامعه خم شده و بیشترین وقت جلسات خود را به بحث و روشنگری راجع به تحلیل و سیاست‌های کومه‌له در مورد اوضاع سیاسی و جنبش‌های اجتماعی اختصاص داده و به این اعتبار کنگره‌ای بسیار سیاسی و رو به جلو بود. جامعه کردستان و ایران دستخوش تحولات سیاسی مهمی شده و جنبش‌های اعتراضی و مبارزه انقلابی تناسب قوای جدیدی را به رژیم تحمیل کرده که امکان تحرک سیاسی بیشتری را فراهم کرده‌است. توجه کنگره کومه‌له بر تاثیرگذاری بر روند جنبش‌های اجتماعی در

از صفحه ۱۲

تمامی منابع موجود استفاده ننموده است. روزنامه "آیندپندنت"، یک روز بعد از انتشار گزارش سازمان ملل، به این موارد اشاره می‌کند: «از قربانیانی که اسامی و چگونگی کشته شدن آنها در روز سوم مه در "آیندپندنت" منتشر گردید، در گزارش UN تنها به کشته شدن یک نفر (فدوا جاما) اشاره گردیده است. وی یک پرستار فلسطینی بود و در حالی که تلاش می‌کرد به یک مرد زخمی کمک کند، گلوله‌ای قلب وی را شکافت. او یونیفورم کامل پرستاری به تن داشت و کاملاً برای نیروهای اسرائیلی قابل تشخیص بود»

«به قتل رساندن یک دختر چهارده ساله به نام "فاریز زین" در گزارش قید نشده است. وی در حالی که بعد از الغای حکومت نظامی قصد داشت به منظور خرید به مغازه‌ای برود، توسط یک تانک اسرائیلی مورد هدف قرار گرفت و کشته شد.»

«"عفاف دسوکی"، زنی که در پی اصرار سربازان اسرائیلی می‌خواست در ب خانه‌اش را بروی آنها باز کند، ولی در پی شلیک گلوله سربازان اسرائیلی بمنظور بازکردن درب وی بقتل رسید. نام وی نیز در گزارش نیامده است.»

«نام "کمال زوغایر"، مرد معلولی که سعی داشت با ویلچر خویش از خیابان عبور کند، توسط نیروهای اسرائیلی با شلیک گلوله کشته شد، نیز غائب است.»

روزنامه "آیندپندنت"، همچنین به موارد زیر اشاره می‌کند که توسط تیمهای سازمان ملل وارد گزارش نشده است:

— تخریب کامل یک محل مسکونی ۴۰۰ تا ۵۰۰ متری توسط بولدوزر های اسرائیلی.

— قتل عامهایی که بدون محاکمه و حضور قربانی در دادگاه، توسط سربازان اسرائیلی به انجام می‌رسیدند. این مورد را هر دو سازمان دیده‌بان حقوق بشر و عفو بین‌الملل نیز تایید کرده‌اند. روزنامه "آیندپندنت"، در پایان گزارش خویش با توجیه‌گری خاصی می‌نویسد: «گزارش UN، برای جلوگیری از اظهار توهین یا بی‌احترامی نسبت به اسرائیل

و متحدانش، با دقت فراوانی جمله بندی و تهیه شده است. این گزارش عمداً از ارائه نتیجه‌گیری و اظهارنظر امتناع می‌ورزد، و تنها به ارائه شواهدی از منابع مختلف اکتفا می‌نماید.»

گزارش UN، در عوض پرداختن صادقانه به آنچه که در جنین اتفاق افتاد، و بجای اینکه به شیوه‌ای مستدل توضیح دهد که اسرائیل چگونه تلاش می‌کرد تا از انجام تحقیقات و بازرسی توسط سازمان ملل و گروه‌های دیگر ممانعت به عمل آورد، می‌نویسد: «یکی از مسئولین طراز اول فلسطینی در اواسط ماه آوریل اظهار داشت که تعداد ۵۰۰ نفر کشته شده‌اند. این رقم، با توجه به شواهد و واقعیات موجود تهیه نشده است.»

این جمله از گزارش UN، به مذاق اسرائیلی‌ها خوش آمده و هیاهویی درباره آن در مطبوعات خود به راه انداختند. آنها ادعا می‌کنند که اگر به جای ۵۰۰ نفر، تنها ۵۰ نفر کشته شده باشند، پس در واقع هیچگونه کشتار جمعی صورت نگرفته است! اما در واقع، رقم ۵۰۰ نفر کشته هیچگاه در ارتباط مستقیم با وقایع تلخ جنین اعلام نشده است. سخنگوی فلسطینی‌ها، "صائب ارکات"، این رقم را روز دهم آوریل و در طی مصاحبه CNN با وی اعلام کرد. وی گفت که تلفات فلسطینی‌ها در کرانه‌های غربی از ابتدای آغاز عملیات "حصار دفاعی" توسط اسرائیلی‌ها ۵۰۰ نفر بوده است. اما تکذیب "کشته شدن ۵۰۰ نفر در جنین" چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ منحرف کردن توجه و ذهنیت‌ها از جنایات جنگی اسرائیل چه در جنین و چه عموماً در نقاط دیگر فلسطین در طول اجرای عملیات "حصار دفاعی" توسط اسرائیل، می‌تواند اهمیت این کار را برای اسرائیلی‌ها نشان دهد.

با وجود تلاش زیاد سازمان ملل در گزارش خویش برای نشان دادن آنچه که وی "آفتی برای هر دو طرف" می‌خواند، شکی در این نیست که توصیف گزارش مذکور از عملیات نظامی اسرائیل در کرانه‌های غربی، تنها و تنها یک کشتار جمعی را نشان می‌دهد.

اسرائیل با استفاده وسیع از پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی، به مناطق غیرنظامی هجوم برده و به شیوه‌ای وحشیانه صدها نفر را به قتل رسانده و هزاران نفر را نیز مجروح ساخته است. این گزارش می‌نویسد: «تعداد ۴۹۷ نفر از فلسطینی‌ها در جریان حمله نیروهای اسرائیلی و اشغال دوباره منطقه فلسطینی A از تاریخ یکم مارس تا هفتم مه ۲۰۰۲، و همچنین در پی حوادث بعد از آن، کشته شده‌اند.» ملاحظه می‌شود که این رقم تقریباً همان رقمی است که "صائب ارکات" اعلام کرده بود. علاوه بر اینها، مراکز پزشکی فلسطینیان و جامعه صلیب سرخ فلسطین اعلام نموده‌اند که حدود ۱۴۴۷ نفر در این فاصله زمانی زخمی گشته‌اند.

و سازمان ملل با آگاهی از این آمارهای وحشتناک و غیرعادی، که بسیار بالاتر از تخمین‌های اولیه از تلفات فلسطینی‌ها هستند، اقدام به انتشار گزارشی می‌نماید که به ملایم‌ترین شیوه تهیه شده و کمترین سرزنش را برای اسرائیل در پی‌دارد؛ در عوض، سعی می‌کند که برای توجیه جنایات اسرائیل، اعمال مشابهی از جانب فلسطینی‌ها را مطرح سازد. اما در اینجا یک سوال مطرح است که باید به آن پرداخته شود: اگر سازمان ملل تایید می‌کند که در گزارش وی هیچگونه اطلاعات تازه‌تری نسبت به آنچه که تاکنون پیرامون وقایع جنین موجود بوده، مطرح نشده است، چرا اقدام به انتشار آن می‌کند؟ روز سوم ماه مه، نشریه اینترنتی "ورلد سوشالیست"، طی مقاله‌ای نوشت که تصمیم کوفی عنان برای لغو ماموریت تیم سازمان ملل برای تحقیق درباره ادعاهای مبنی بر وقوع جنایات جنگی در جنین، در واقع مدرکی است (اگر لازم به ارائه مدرکی باشد) برای اثبات اینکه این سازمان، ابزار منعطفی در خدمت سیاستهای امپریالیسم می‌باشد. این اقدام کوفی عنان، تمایل UN را برای اجرای دستورات "عمو سام" نشان می‌دهد، زیرا که تصمیم برای انحلال تیم تحقیق در جنین چندین روز قبل از اینکه "کوفی عنان" در روز یکم ماه مه پیشنهاد آن را به شورای امنیت بدهد،

در واشنگتن گرفته شده بود. آمریکا قصد دارد که در هفته‌های آینده، جنگی را علیه عراق برپا سازد. او اینکار را به عنوان مدافع رسوای دولت صهیونیست اسرائیل و حامی استثمار خونین فلسطینیان توسط شارون انجام می‌دهد. در نتیجه، گزارش عنان تا جایی که می‌تواند، در جهت توجیه جنایات دولت شارون و متوجه کردن مسئولیت سرکوب فلسطینیان به خود آنان حرکت می‌کند.

اما در این میان، کوفی عنان تنها موفق شده است که وجهه خویش را لکدار نماید. در این رابطه، یکی سخنگویان سازمان ملل در ضمن تلاش برای اینکه این سازمان را از ادعاهای مطبوعات مبنی بر اینکه گزارش مذکور اسرائیل را تبرئه نموده است، دور نماید، اظهار داشت که کوفی عنان بطور عمدی از قید واژه "کشتار جمعی" در گزارش خودداری نموده است. وی ادامه داد که در این گزارش حقایق و شواهدی ارائه شده‌اند که به آسانی نمی‌توان از کنار آنها گذشت. اینگونه اظهارات توسط مسئولین سازمان ملل تنها در خدمت به این هدف است که ناجی اعتبار متزلزل این سازمان نزد مردم عرب باشند، مردمی که بعد از انتشار گزارش مذکور به خیابانها ریخته و اعتراض خویش را — در حال حمل تابوت سمبولیک جنازه UN — نشان دادند. تجربه نشان داده است که سازمان ملل، در واقع پنجه‌های آمریکا و متحد وی اسرائیل برای انجام پروژه‌هایشان است و میلیونها نفر از مردم سرکوب‌شده جهان بخوبی به این واقعیت واقفند. آنها نه زورگویی و دورویی این سازمان را تاب نخواهند آورد و نه حاکمان عرب و سوسیال دمکراتهای غربی و سیاستمداران لیبرالی را که همواره سعی در القای این موضع دارند که سازمان ملل، سیاستی بازدارنده را در مقابل جاه طلبی‌های نظام آمریکا در خاورمیانه در پیش گرفته است.

۲۰۰۲.۸.۱۶



نوشته: کریس مارسدن (www.wsws.org)

ترجمه و تلخیص: حسین دباغیان

## جنین و گزارش UN:

### توجیه جنایات اسرائیل

"کشتارهای عمدی" فلسطینیان از جانب نیروهای اسرائیل صورت گرفته است.

در واقع، هیچکس آمار دقیق افراد کشته شده در جنین را نمی تواند تعیین کند، و این موضوع مدیون ترسویی و روحیه تسلیم پذیری سازمان ملل در مواجهه با تهدیدهای اسرائیل است. در گزارش UN اعتراف گردیده است که از سوم تا هجدهم آوریل ۲۰۰۲ (یعنی در فاصله‌ای که نیروهای اسرائیلی وارد جنین شده بودند) به دلیل برقراری حکومت نظامی از جانب اسرائیل، همه وقایع کاملاً از دید عمومی پنهان گردیده بود.

ژنرال اسرائیلی، "رون کیتزی"، در ابتدا اعلام کرده بود که بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ نفر کشته شده‌اند؛ وی بعداً اظهار نمود که این رقم شامل زخمی‌ها نیز می شود. شاهدان عینی فلسطینی، از تدفین‌های دسته جمعی و حمل جنازه‌های متعدد به نقاط نامعلوم خبر داده‌اند. همه اینها، نگرانی و ترس از اینکه در جنین، جنایت کشتار جمعی روی داده است را کاملاً مادی و واقعی می سازد.

حتی بعد از اینکه حکومت نظامی رسماً لغو گردید، به مدت چندین روز، اسرائیل از ورود UN و گروههای دیگر به جنین به منظور انجام تحقیقات، ممانعت به عمل آورد. مذاکرات سازمان ملل و اسرائیل در مورد ورود تیمهای UN به صحنه جنایت بالاخره به نفع اسرائیلی‌ها تمام شد و "عنان" روز سوم مه، تیم تحقیق خود را منحل اعلام نمود.

افراد و تیمهای تحقیق کننده در جنین، بهیچوجه دارای اختیارات سازمان ملل جهت بازرسی و تحقیق نبودند، با این حال گزارشهای مستدلتر و کاملتری از وقوع حوادث به دست داده‌اند. این نشان می‌دهد که UN آگاهانه از همه امکانات خود و از ۱۱ در صفحه

در هر حال، گزارش UN به تنهایی و از لحاظ بیان حقایق، حتی از گزارشهای جزئی از قبل موجود نیز ضعیفتر است. در مقایسه با این گزارش که امضای دبیر کل، کوفی عنان، را در خود دارد و تحت سرپرستی شورای امنیت به انجام رسیده است، هم دیده‌بان حقوق بشر و هم عفو بین‌الملل، به شیوه‌ای مستدلتر و همراه با نمونه‌های افزون‌تری از جنایات اسرائیل علیه افراد غیرنظامی، سخن گفته‌اند.

گذشته از این، دو سازمان مذکور آماده بودند که رسماً اعمال اسرائیل در جنین را "جنایات جنگی" اعلام کنند، جنایاتی که کاملاً در تضاد با کنوانسیون ژنو روی داده‌اند. "پیتر بوکارت"، یکی از مسئولین HRW، اینگونه در اینمورد عکس‌العمل نشان داد: «ما کاملاً از گزارش UN ناامید شدیم، زیرا هیچگونه واقعییتی از آنچه که در جنین اتفاق افتاد را منعکس نمی‌کند.» او همچنین گفت که این گزارش به شیوه‌ای کاملاً کارساز، نفس آسوده ای به اسرائیل می‌بخشد تا خیالش از بابت پس‌دادن حساب راحت باشد. او معتقد است که در جنین،

توسط IDF قتل عام شده‌اند؛ در این گزارش آمده است: «تا زمان عقب نشینی IDF و الغای حکومت نظامی در روز ۱۸ آوریل، حداقل ۵۲ فلسطینی که نیمی از آنها را افراد غیرنظامی تشکیل می دادند، و همچنین ۲۳ سرباز اسرائیلی کشته شده بودند.» در این رابطه، گزارش ادامه می‌دهد: «اعلام دقیق تعداد فلسطینی‌های غیرنظامی که در این جریان کشته شدند، غیر ممکن است.»

آمار و ارقام ارائه شده توسط UN، تقریباً همانهایی هستند که توسط "دیده بان حقوق بشر (HRW)" و "عفو بین‌الملل" ارائه گردیده‌اند. این دو سازمان، تیمهایی را جهت انجام تحقیقات محدود به محل وقوع جنایات فرستاده بودند. سازمان ملل به غیر از اینکه یافته‌های سازمانهای مذکور را تکرار کند، چاره ای ندارد؛ زیرا دولت اسرائیل نه تنها تحقیقات UN را بلوکه نمود، بلکه با این بهانه که این گزارش تحریک کننده خواهد بود، حاضر نگردید برای تهیه آن همکاری نماید. از همین روست که در گزارش مذکور قید گردیده که تنها از منابع و اطلاعات در دسترس استفاده شده است.

چند هفته قبل، گزارش سازمان ملل (UN) درباره وقایعی که در جنین و در جریان اشغال این اردوگاه توسط نیروهای اسرائیلی رخ داد، منتشر گردید. بر اساس این گزارش، در اردوگاه پناهندگان فلسطینی در جنین، نیروهای دفاعی اسرائیل (IDF)، مرتکب جنایت کشتار جمعی نشده‌اند. انتشار این گزارش، هیاهوی مغرورانه و در چند مورد اظهارات پیروزمندانۀ دولت اسرائیل و طرفدارانش را به دنبال داشت. آنها ادعا می کردند که در مقابل افترايي از جانب فلسطینی‌ها، تبرئه گشته‌اند. اگر کمی دقیق‌تر به موضوعگیری اسرائیل و انکار اعمال جنایات بشری علیه مردم فلسطین از جانب اسرائیل نگاه کنیم، خواهیم دید که گزارش UN نه تنها به شیوه ای کم اهمیت به موضوع پرداخته و صرفاً همان یافته‌های سازمانهای دولتی و گروههای حقوق بشر مختلف را تکرار نموده است، بلکه از لحاظ سیاسی، کاملاً به نفع منافع دولت آریل شارون طرح‌ریزی شده است.

گزارش مذکور ناچار گردیده است قید نماید که افراد غیرنظامی نیز

#### آدرس‌های حزب کمونیست ایران و کومه‌له

Representation of Komala abroad: Communist party of Iran:

دفتر نمایندگی کومه‌له

دبیرخانه حزب کمونیست ایران

در خارج کشور

C.D.C.R.I.

K.K. P.O.Box 75026

Box 704 45

Box 750 26 Uppsala- Sweden

107 25 Stockholm - Sweden

Tel/Fax: +46-18-46 84 93

Tel/Fax +46-08-86 80 54

E-mail: [komala@cpiran.org](mailto:komala@cpiran.org)

E-mail: [cpi@cpiran.org](mailto:cpi@cpiran.org)

#### صدای حزب کمونیست ایران صدای انقلاب ایران

هر شب: ۲۱ - ۲۲

صبح جمعه‌ها: ۸ - ۹

ظهرها: ۱۳ - ۱۴

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

عصرها: ۱۹ - ۲۰

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۷۵ متر برابر ۳۸۸۰ کیلوهرتز

۶۵ متر برابر ۴۳۸۰ کیلوهرتز

۶۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

۶۹ متر برابر ۶۴۲۰ کیلوهرتز

#### کومه‌له در کردستان

دفتر نمایندگی کومه‌له در سلیمانیه

Tel . 3124760 - 3125815

کمیته مرکزی کومه‌له

Tel. 0044-70-775 207 81

[komalah@komalah.org](mailto:komalah@komalah.org)